

فرهاد چشمی و چشم بستن بر واقعیت ها

بار دیگر در آستانه سال نو محبت، عنایت و بزرگواری دبیر هیات فوتبال استان (قانونی و غیر قانونی بودنش بحث دیگری است) شامل حال ما شد. در یک مطلب سفارشی نوشته شده توسط میرزابنویس های هیات فوتبال با امضایی به نام فرهاد چشمی کلمات و حرف هایی بر زبان رانده و بر روی کاغذ به ثبت رساندند که فقط می تواند در شائن و مرتبت کسانی باشد که آویزان از فوتبال اردبیل بوده و به یک باره در آن سبز شده اند.

به حرمت ضرباتی که به توپ زده است تاکنون علی رغم بی حرمتی ها و رفتارهای آنچنانی هیچوقت به خود اجازه نداده بودیم که او را به اسم و مستقیم مورد خطاب قرار بدهیم ولی ادعاهای پوچ و بی اساس و حرمت شکنی های او مجبورمان می کند که از وی به اسم یاد بکنیم . بر هیچکس پوشیده نیست که نویسنده این مطلب و دیگر مطالبی که در نشریه و در چهار سال گذشته در ارتباط با فوتبال استان نوشته شده نادر پرستار است. نقابی هم در کار نبوده و همیشه حرف خود را رک و مستقیم زده و خواهیم زد ولی نقاب را در فوتبال ما کسانی به چهره زده اند که عنوان پیشکسوت را بهانه ای برای کوبیدن و نابود کردن فوتبال مورد استفاده قرار دادند. نقاب را آنهایی مورد استفاده قرار می دهند که به نام فوتبال به کام دیگران وارد عمل می شوند و نقابداران فوتبال ما آنهایی هستند که انواع تهمت زدن و ناسزاگویی را در آن رواج داده و با راه اندازی کانال های مجازی در آلوده کردن فضا و کتمان حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت اقدام می نمایند و در نهایت نقاب از آن افرادی است که هر روز سازی تازه کوک می کنند و حتی به پای گفته ها و تعهدات خود نمی نشینند و برای ماندن در قدرت به هر وسیله ای متوسل می شوند.

ما را نیاز به استفاده از نقاب نبوده و نیست. چرا که نه به دنبال ریاست هستیم و نه پست دبیری هیات فوتبال را نقطه اوج آمال و آرزوهای خود می دانیم. نه عشق به میز و صندلی داشته و نه به مدیریت فوتبال و یا دبیری آن چشم دوخته ایم. نقاب را آنهایی به چهره می زنند تا بتوانند با استفاده از هر موقعیت و هر منصب داری موقعیت خود را تحکیم بخشند و میز و صندلی را از دست ندهند. ما را نیازی به استفاده از نقاب نبوده و نیست در شصت سال گذشته یاد گرفته ایم که حرف و عقیده خود در ورزش را رک و پوست کنده بر

زبان برانیم و در این راه با هیچ سازش و مصلحت اندیشی کنار نیایم.

جامعه ورزش استان و اردبیل به خوبی با چهره ها، عملکردها، رفتارها، کردارها و حرکات آنهایی که از 50 سال قبل در ورزش منطقه بوده اند آشنایی دارند و در سایه همین آشنایی است که وقتی صحبت از فوتبال و قضاوت نهایی در مورد آن به میان می آید و نقش سردمداران هیات در آن مطرح می شود می گویند فرهاد چشمیه دیگر، انتظاری نباید بیش از این ها از وی داشت.

در مطلب منتشر شده در فضای مجازی، میرزا بنویس های فرهاد چشمی نشر اکاذیب نموده و تشویش اذهان فرموده اند. حتما فرهاد چشمی و دوستانش به خوبی با معنا و مفهوم کلمات تهمت و ناروا آشنا بوده و هستند. مطالبی که در چهار سال گذشته در ارتباط با هیات فوتبال و عملکرد آن منتشر کرده ایم در آرشیو موجود است و امروز نیز به برخی از آنها به طور خلاصه اشاره می کنیم تا افکار عمومی و دوستداران ورزش بار دیگر مطلع شوند که آقایان، عجولانه چه اتهامی می زنند تا با گل آلود کردن آب برای خود ساحل امنی ایجاد بکنند و در کاخ حافظ همچنان صاحب دفتر و دستک باشند. پای حرف هایی که تاکنون زده ایم، ایستاده ایم و آماده ایم در محضر هر دادگاهی و هر جمعی که بوده باشد با ادله و برهان و مستندات از حرف های خود دفاع بکنیم.

یکی از بزرگترین و عمده ترین مشکل فوتبال ما این است که خوب حرف می زنیم ولی در عمل کاری از پیش نمی بریم. با کلی گویی و اتهام زدن هیچ دردی از دردهای فوتبال ما نمی تواند درمان بشود و هر ادعا باید با مصداق و مثال باشد و این که ادعا بکنیم نویسنده این سطور تهمت زده است باید با برهان و ادله همراه باشد و در غیر آن نشر اکاذیب است و لا غیر.

با این مقدمه به سراغ برخی از موارد منتشر شده در چهارسال اخیر می رویم و خیلی خوشحالیم که فرهاد چشمی با مطلب منتشر شده اش دیگر حجت را بر ما تمام کرد که از این به بعد وی را به اسم مورد خطاب قرار بدهیم و عملکردش را در پست دبیری هیات (قانونی یا غیر قانونی) به مرور در بوته نقد قرار بدهیم.

- ادعا شده است در مورد هادی صباغی و صلاحیت عمومی وی نبش قبر کرده ایم. پرونده صباغی مختومه اعلام نشده تا به خاک سپرده شود، تا زمان برگزاری مجمع پرونده صلاحیت مدیریتی وی باز بوده و بر خلاف ادعای انجام یافته سخن گفتن در این مورد نبش قبر نیست.

فرهاد چشمی اگر در گفته های خود صادق است صورتجلسه انتخابات پنج سال قبل و صورتجلسه تنظیم شده در دفتر معاونت اداره کل را منتشر

بکند. کجای این ادعای ما تهمت و ناروا است که در انتخابات قبلی هادی صباغی و مدیریت وی که به تایید رسیده بود چرا حالا رد می شود. سابقه مدیریت مگر سابقه اخلاقی و رفتاری است که دچار تغییر شود. اساسنامه هم که بندهایش در مورد صلاحیت مدیریتی تفاوتی نکرده است پس این تناقض در رفتار کمیته های سه نفره به چه دلیل و علت است؟ آیا این سؤال نبش قبر و تهمت و ناروا به حضرات است؟ ضمناً هادی صباغی می تواند پاسخگو باشد که در زمان ارسال پرونده اش به فدراسیون چه بلایی بر سرش آوردند و چه سنگ اندازی هایی که انجام ندادند؟ زمان و گذشت آن مشخص خواهد کرد که چه رایزنی ها با چه اشخاصی قبل از اعزام پرونده به فدراسیون انجام پذیرفته تا در آشفتگی بازار صلاحیت صباغی مورد تایید قرار نگیرد.

- گفته ایم لیگی که تحت عنوان برتر در استان برگزار می شود فقط اسمش لیگ است و بس. لیگ برتر معنی و مفهوم خاص خودش را دارد. چرا باید با کلمات بازی کنیم و افکار عمومی را به طور کامل در جریان امور قرار ندهیم؟ در استانی که مسابقات در سطوح لیگ سه و دسته دوم و دست یک معنی ندارد سینه زدن در زیر سایه مسابقاتی تحت عنوان برتر چه مفهومی می تواند داشته باشد؟ آیا تهمت زده ایم که هیات فوتبال استان توان برگزاری رقابت های لیگ یک و دو و سه را ندارد؟

- گفته ایم که بر اساس کدام مدارک و مستندات رئیس سابق هیات فوتبال استان ادعا کرده است که اردبیل جزء ده استان برتر فوتبالی کشور می باشد. بالاترین مرجع در این موارد برای اظهار نظر، فدراسیون فوتبال و کمیته شهرستان های آن می باشد. کدام نامه از فدراسیون تایید کننده ادعایی است که آقایان کرده اند؟ بهاروند مسؤول وقت امور استان های فدراسیون در ملاقات حضوری نگارنده با وی اعلام چنین جایگاه و مقام برای فوتبال اردبیل را تکذیب کرد. حال شما بگویید تهمت و ناروا را چه کسانی در فوتبال استان رواج داده و می دهند؟

- گفته ایم که رئیس سابق هیات فوتبال استان چرا بلافاصله بعد از قطعی شدن سقوط تیم شهرداری به دسته دوم ادعای رایزنی برای نگاه داشتن شهرداری در لیگ دسته یک را نمود. در حالی که هم می دانستند چنین چیزی امکان ندارد. چرا با طرح چنین مسئله ای سطح توقع را در جامعه بالا بردند و با استفاده از امری غیر ممکن برای خود تبلیغ نمودند؟

- گفته ایم که چرا رؤسای هیات های شهرستانی به موقع انتخاب و معرفی نمی شوند. این مسئله را از زبان رؤسای اداره های ورزش و جوانان شهرستان ها مطرح کردیم. کجای این تهمت است که شهرستانی

چون کوثر پس از انتقال شهردار آن شهر که رئیس هیات فوتبالش بود بلا تکلیف باقی ماند؟ آیا اشاره به این واقعیت تهمت زدن است؟
- گفته ایم که وعده راه اندازی لیگ فوتبال و فوتسال بانوان استان را داده بودید چرا عملی نکردید؟ اگر نمی توانستید چرا گفتید؟
یادآوری وعده مسؤولین تهمت و ناروا می باشد؟

- گفته ایم که هیات فوتبال استان بر اساس کدام سند قانونی و رسمی انتقال تیم شهرداری به باشگاه آبی پوشان را مورد تایید قرار داد و قرارداد بازیکنان را به نام آبی پوشان ثبت کرد.

سند نابودی شهرداری از موقعی به امضاء رسید که هیات فوتبال استان به طور غیر قانونی باشگاه آبی پوشان را به رسمیت شناخت و قرارداد بازیکنان را به نام این باشگاه به ثبت رساند. ضربه به فوتبال اردبیل از همان روزی آغاز شد که هیات فوتبال استان به وظیفه قانونی خود عمل نکرد و چشم بر روی واقعیت ها به دلایل مختلف بست.

- گفته ایم که انتخاب برترین های سال 93 و آمدن تیم ملی به اردبیل به کجا انجامید؟ تعداد مصاحبه های انجام یافته از فروردین تا پایان خرداد 94 گویای خیلی از چیزها می تواند باشد. این که چرا این وعده ها را می دهیم و نمی توانیم آنها را عملی بکنیم تهمت زدن به هیات محترم فوتبال استان است؟

- گفته ایم که در روزهای بحرانی شهرداری در دسته دوم، داور احمدی به همراه چند بازیکن دیگر چگونه از تیم جدا شدند؟ در حالی که مالکیت تیم بلامتکلیف بود چه کسی رضایت نامه احمدی را صادر کرده است و هیات فوتبال مجوز خروج از استان را بر چه مبنایی و با تکیه بر کدام رضایت نامه صادر نموده است؟ شرایط انتقال چه بوده و چه عایدی از این انتقال به کدام باشگاه و ارگانی رسیده است؟ آیا طرح این موضوع که شفاف سازی می تواند در رفع ابهام، کمک و مساعدت نماید تهمت و ناروا است؟ اگر صد سال دیگر بگذرد و جوابی قانع کننده همراه با مدرک مشاهده نکنیم همچنان این مسئله را یادآوری خواهیم کرد.

- گفته ایم و باز خواهیم گفت که در پنج سال گذشته مجمع سالیانه هیات فوتبال استان بر اساس اساسنامه برگزار نشده و برنامه ها و مسائل مالی و پیش بینی بودجه آن به تصویب نرسیده است. برگزاری مجمع در زمان مدیریت احد پازاج در اداره کل هم به دلیل ترک جلسه توسط وی از رسمیت افتاد و مصوبات آن نمی تواند قانونی و مورد قبول باشد. آیا عمل نکردن بر اساس اساسنامه خلاف و غیر قانونی نبوده و نیست؟ آیا طرح این مسئله تهمت و ناروا نسبت دادن به هیات فوتبال استان است؟ اگر مجامع برگزار شده و ما دروغ گفته ایم صورتجلسه های آن را منعکس نکنند تا سیه روی شود هر که در آن غش

باشد.

- گفته ایم که اقتدار یک مجموعه به قدرت مدیریتی و توانایی و کارآیی گردانندگان آن بستگی دارد. وقتی مدیر یک مجموعه ورزشی در مقابل چشمان عده ای مورد حمله قرار گرفته و مشت وسیلی می خورد باید با مسببین برخورد جدی بشود. آیا طرح این مسائل تهمت زدن و ناروا گفتن در حق هیات فوتبال استان است؟

- گفته ایم وعده مبنی بر راه اندازی موزه فوتبال استان به کجا انجامید؟ این موزه در کجا احداث شده است؟ آیا یادآوری یک وعده عملی نشده تهمت و ناروا به ساحت هیات فوتبال استان تلقی می شود؟ در این باره حرف بسیار زیاد و گفتنی ها قابل توجه هستند که اگر عمری باقی باشد به مرور به آنها می پردازیم تا چهره واقعی کسانی که جز تهمت زدن و ناروا گفتن در فوتبال ما کار دیگری ندارند بر همگان مشخص گردد.